

"هسته‌ای" و یک پرسش؟

با ظهور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و شروع جنگ ایران و عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ روند نظامی شدن منطقه شتاب بیشتری پیدا کرد، که تا کنون ادامه داشته است! جغرافیای سیاسی و امنیتی خاورمیانه امروز هیچ شباهتی به آن خاورمیانه ۳۵ سال پیش ندارد. ایران در کنار حلقه‌های سیاسی-نظامی-اقتصادی مرئی و نامرئی جهان، که تنیده در کنسرنهای نظامی هستند، نقش ویژه‌ای در جهت ناامنی منطقه که همانا بستر خوبی برای حفظ دیکتاتوری در ایران و منطقه بوده، بازی کرده است.

ایران ۳۵ سال گذشته، نه تنها به استقلال و آزادی دست نیافت، بلکه بیشتر از گذشته در شکل مافیایی وابسته به تکنولوژی، صنعت و فراوردهای دارویی، غذایی و حتا کشاورزی غرب و کشورهای دیگر باقی ماند و ضمن به تاراج بردن منابع طبیعی و ثروتهای ملی، آزادی نیز مسخ و متروک شد و ایران به تیول رمالان، ملایان، بازاریان و وابستگان مدرن و سنتی آنان، که جمعیتی حدود ۳٪ را تشکیل می دهند، بدل شد و بهشتی از فساد برای ۳٪ از کل مردمان ایران و جهنمی برای ۹۷٪ مردم مهیا گردید!

کشورهای خاورمیانه امروز، منطقه‌ای است ملیتاریزه شده، که بودجه نظامی آن بعد از ظهور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ مدام رو به افزایش گذاشته است. امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، عراق، عمان، سوریه با جمعیتی ۱۰۴ میلیونی، سالانه بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار، هزینه نظامی بر خود و مردم تحمیل می کنند! بودجه نظامی این چند کشور عربی، دو برابر بودجه نظامی کل قاره آفریقا با جمعیت ۱ میلیارد و ۱۱۱ میلیون نفر، می باشد و این مبلغ برابر است با کل بودجه نظامی دو قاره آفریقا و استرالیا. بودجه نظامی کشورهای عربی بسیار بیشتر از ۴۰ میلیارد خواهد بود، اگر بودجه نظامی کلیه کشورها از جمله مصر با بودجه نظامی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار، الجزایر ۲ میلیارد و ۴۸۰ میلیون را نیز، به آن اضافه کنیم!

تعداد نظامیان چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۵ چندین برابر شده و امروز از مرز دو میلیون نفر گذشته است، یعنی وزارتخانه‌های دفاع در این کشورها بزرگترین کارفرما بشمار می آیند، که در سال بودجه‌ای بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار را می بلعند. در برابر کشورهای عربی و ایران، کشور کوچک اسرائیل با جمعیت ۸ میلیونی، ۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار را به بودجه نظامی اختصاص داده است، که سهم هر اسرائیلی برای تامین این بودجه در سال، ۲۰۶۲ دلار می باشد.

ایران در طول ۳۵ سال گذشته و بخصوص بعد از پایان جنگ ایران و عراق، بیشترین درآمد نفت و دیگر فراوردهای خود را صرف تجهیز نظامی و ساختن بمب اتمی کرده است! کشورهای غربی و برخی از کشورهای آسیایی نظیر چین و ژاپن بیشترین سود را از وجود ایران نظامی و اتمی در خاورمیانه برده‌اند. آنانکه سود خواهند برد، همان مردمی هستند که ۳۵ سال است زیر تیغ جمهوری اسلامی، در انتظار آزادی و زندگی بهتر روزگار را به سختی می گذرانند!

سران جمهوری اسلامی و ۳٪ی که سر در آخور آنان دارند، بعد از امضاء قرارداد با کشورهای ۵ بعلاوه ۱، دور جدیدی را از چپاول شروع خواهند کرد و بر ماهیت خود استوار خواهند ماند. آنانکه در کسوت نخبه، سیاستمدار و ژورنالیست منافع ملی مردمان ایران را با منافع امضاء کنندگان قرارداد لوزان، یکی می‌پندارند، خاک در چشم خود و مردم می‌پاشند و می‌خواهند رژیم جمهوری اسلامی ایران را "ملی" جلوه دهند!

بعد از امضاء قرارداد نهائی در تیرماه، روند نظامی کردن منطقه با وجود رژیم جمهوری اسلامی ایران و برپاکردن آشوبهای جدید، که اکنون به خاک یمن نیز پای گذاشته است، نه تنها متوقف نخواهد شد بلکه در ابعاد بیشتری ادامه خواهد یافت و این در جهت تقویت استراتژی نظامی منطقه و در جهت افزایش سود کلان کنسرنهای نظامی جهان خواهد بود. در چنین شرایطی که بخش عظیم درآمد ایران همچنان صرف ادامه فعالیتهای نظامی و اتمی (نظامی و غیرنظامی) خواهد شد، مردمان ایران چه سودی از امضاء قرارداد لوزان خواهند برد؟

ابراهیم فرشی

۲۰۱۵/۴/۳